فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۷، صفحات ۹۰-۶۷

بررسی نگرش نسبت به بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه‌ی فرهنگ مازندران (مطالعه‌ی موردی دانشجویان دانشگاه مازندران)

سید قاسم حسنی[۱]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

چکیده

با توجه به شیوه‌های بازنمایی‌ها در قالب باورهای رسمی(ادبیات، اسطوره‌های کلان، اشعار، دین و جهان‌بینی کلان) و بازنمایی‌ها در باورهای غیر رسمی(ضرب‌المثل‌ها، داستان، گفتار، ادبیات شفاهی، جملات در زندگی روزمره و فولکلور)، هدف مقاله بررسی نگرش نسبت به بازنمایی جنسیتی در قالب باورهای غیر رسمی یا عامیانه در نسل جوان است. بنابراین برای بررسی نگرش، دانش‌جویان دانشگاه مازندران به عنوان نسل جوان در نظر گرفته شده است.

پژوهش حاضر سعی دارد با بهرگیری از روش کیفی(مصاحبه، مطالعه‌ی اسناد) به جمع‌آوری باورهای عامیانه‌ی مردم مازندران بپردازد. سپس با استفاده از روش کمی(پیمایش) نگرش دانش‌جویان دانشگاه مازندران را نسبت به باورهای جنسیتی عامیانه مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد.

یافته‌ها حاکی از آن است که نگرش افراد در نسل جوان نسبت به باورهای عامیانه تغییر یافته و البته تحت تأثیر فاکتورهای مختلف می‌تواند تفاوت داشته باشد.

نتایج نشان می‌دهد که محل سکونت یعنی شهری‌بودن و روستایی‌بودن بر نگرش افراد مورد بررسی تأثیر دارد. در عین حال بین رشته‌ی تحصیلی و نگرش جنسیتی نسبت به باورهای عامیانه رابطه وجود داشته است. تفاوت در سرمایه‌ی فرهنگی بین افراد دانش‌جو بر جهت‌گیری نگرش جنسیتی در باورهای عامیانه مؤثر بوده است. جنسیت افراد دانش‌جو نسبت به نگرش بازنمایی جنسیتی در باورهای عامیانه اثرگذار است.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی؛ جنسیت؛ باورهای عامیانه؛ تصورات قالبی؛ نگرش؛ مازندران.

[۱] استادیار مردم‌شناسی، دانشگاه مازندران، s_hassani_m@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

مقدمه

مسأله‌ی جنسیت [1] بر بیش‌تر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تأثیرگذار است و مردم تحت تأثیر این حوزه‌ها، باورها و نگرش‌هایی نسبت به آن می‌پرورانند. جنسیت دارای معنای فرهنگی[2] است که از نظر اجتماعی ساخته می‌شود و از همین منظر به جنسیت برچسب‌هایی الصاق می‌گردد که هویت [3] او را می‌سازد. برای همین جنسیت بازنمایی‌شده‌ی فرهنگ است که به شیوه‌های گوناگون این بازنمایی صورت‌بندی می‌شود. در یک جا صورت‌بندی بازنمایی[4] از طریق روابط سلسله‌مراتبی میان دو جنس خود را جلوه می‌دهد که از طریق فرآیند فرهنگ‌آموزی و جامعه‌پذیری افراد را تعریف می‌کند و در قالب ساختار دوتایی تقابلی قرار می‌دهد. جنسیت از طریق این ساختار دوتایی تقابلی که فرهنگ، آن را بازنما می‌سازد، برای افراد، درونی و یادگرفته می‌شود. در این ساختار دوتایی تقابلی، فرهنگ‌ها دو جنسیت زن و مرد را به‌طور برابر رده‌بندی نمی‌کنند.

تعریف‌هایی که معیارهای اجتماعی و فرهنگی برای دسته‌بندی افراد جامعه در قالب جنسیت ارائه می‌دهند به شیوه‌های مختلف دیده می‌شود. مثلاً در خانواده، دین، زبان، قدرت، شغل و نقش‌ها، علم، آموزش، اقتصاد به عنوان عناصر کلی درون جامعه و فرهنگ تا بازی‌ها، پوشیدن، غذاخوردن، رفتارکردن، شخصیت و غیره به عنوان عناصر خرد در درون جامعه و فرهنگ (بم[5]: ۲۰۰۱). در هر یک از این عناصر، باورهای جنسیتی شکل گرفته‌اند. بسیاری از باورها به صورت رسمی خود را در عناصر اجتماعی و فرهنگی انتقال داده‌اند و بسیاری از آن‌ها به صورت غیر رسمی در بین مردم وجود داشته و در قالب عرف اجتماعی، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، ترانه‌های محلی، نوع نگاه‌ها و بیان‌ها قرار می‌گیرند. این باورهای غیر رسمی را در بین مردم، می‌توان باورهای عامیانه نام نهاد.

باور، نسبت به جنسیت زن چه به صورت رسمی یا عامیانه همواره وجود داشته و تاکنون نیز استمرار یافته است. این باورها نه‌تنها در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی‌ای که در بالا برشمردیم عملی و اجرایی می‌شود، بلکه حتی به جنبه‌های فیزیولوژیکی، زیست‌شناختی و روان‌شناختی زنان

[1] gender
[2] cultural meaning
[3] Identity
[4] representation
[5] Bem

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

اشاره دارند. بسیاری از باورها بر مبنای همین جنبه‌های نامبرده برای جنبه‌های فرهنگی – اجتماعی بارگذاری می‌شوند. به عنوان مثال مغز زنان و مردان را می‌توان در باورهای چه علمی، رسمی و چه غیررسمی جنسیتی‌شده دید. این که در باورهای عامیانه گفته می‌شود زنان "ناقص‌العقل" هستند، نمونه‌ای از باورهای عامیانه است که در بین مردم رواج یا این که در باورهای رسمی نیز اظهارنظرهایی درباره‌ی مغز زنان و مردان وجود دارد. نگاهی به تاریخچه‌ی این نگرش یا باور رسمی می‌توان نشان‌دهنده‌ی این امر باشد که چگونه از ویژگی فیزیولوژیک برای جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌گردد. در سال ۱۹۹۹ مجله‌ی ویک تایمز[1] و نیوز[2] کمیک‌استریپ‌هایی را درباره‌ی تفاوت‌های مغز و تأثیرات آن بر رفتارهای جنسیتی چاپ کردند. یکی از نقاشی‌های مجله‌ی تایمز ادعا می‌کرد که کورپوس کالوسوم[3] زنان عریض‌تر از مردان است و همین به تفاوت جنسیتی آن دو می‌انجامد. این ایده حتی توسط برخی از دانشمندان نیز بحث‌هایی در تفاوت‌های جنسیتی به‌راه انداخت (استرلینک[4]: ۲۰۰۰). این نوع از باورها نه‌تنها در حوزه‌ی رسمی همچون ساینس وجود دارد، بلکه می‌توان در ادبیات رسمی و حتی فلسفه هم مشاهده کرد. نمود فلسفی آن را می‌توان در تفکرات شوپنهاور[5] ملاحظه کرد. بنابراین باورهای جنسیتی نسبت به تفاوت بین مرد و زن نه‌تنها تاریخ طولانی دارد، بلکه تا به امروز نیز استمرار یافته و هم‌چنان بر پایه‌ی همین باورها زنان موقعیت‌های نقشیتی، شغلی، درآمدی و حقوقی پایین‌تری را نسبت به مردان دارند.این بخش از بازنمایی جنسیت در باورهای رسمی، مورد کنکاش محققان فمینیست قرار گرفته است.

نوع دیگر باورهای جنسیتی همان باورهای عامیانه است که در حوزه‌ی فولکور یا فرهنگ عامیانه هر منطقه و بوم‌زیستی قرار می‌گیرد و بازگوکننده‌ی افکار و احساسات اقشار اجتماعی آن جامعه است. باورهای عامیانه‌ی جنسیتی‌شده به صورت‌های مختلف در قالب‌های ادبیات شفاهی، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، گفتارها بازنمایی می‌شوند. این باورها ثابت نیستند و می‌توانند تحت تأثیر تحولات و دگرگونی شرایط اجتماعی زندگی مردم، دست‌خوش تغییر قرار گیرند. در شرایط کنونی شاهد ظهور عواملی هستیم که بر باورهای عامیانه تأثیرگذار است. به عنوان مثال عواملی

1 Week Times
2 NEWS
3 Corpus Callosum
4 Sterling, Fausto
5 Schopenhauer

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

چون شهری/ روستایی‌بودن مدرن، طبقه، سرمایه‌ی فرهنگی، هویت و طبقه و پایگاه اقتصادی مدرن می‌توانند بر نگرش‌های افراد نسبت به عناصر فولکوریک اثر بگذارند. در برخی از شرایط و وضعیت، عوامل ظهوریافته در جامعه‌ی معاصر می‌تواند به شدت باعث تغییر عناصر فولکوریک مثلاً باورهای عامیانه شوند و در جایی ممکن است که منجر به حذف و در شرایطی دیگر باعث تقویت گردند. این به مکانیسم تعامل کنش‌گران اجتماعی مدرن با توجه به نوع نگاه، منافع و غیره با فرهنگ فولکوریک وابسته است. بنابراین مکانیسم تعامل کنش‌گران با عناصر فولکوریک است که تعیین می‌کند یک عنصر باقی بماند یا کم‌رنگ و در کل حذف گردد. در این تحقیق یکی از عناصر فولکوریک یعنی باورهای عامیانه که به صورت جنسیتی در فرهنگ بومی مازندران وجود داشته، بین دانش‌جویان دانشگاه مازندران مورد بررسی قرار گرفت.

پیشینه‌ی پژوهش

در مورد این که چگونه فرهنگ، مفاهیمی چون نقش‌های جنسیتی، تصورات قالبی، کلیشه‌های جنسیتی، ایدئولوژی‌های جنسی[1] و باورهای ذهنی مردم را نسبت به جنسیت شکل می‌دهد، مطالعات گسترده و وسیعی صورت گرفته است. تاریخ پژوهش درباره‌ی باورهای عامیانه نسبت به زنان را می‌توان از کتاب عقایدالنساء یا کلثوم‌ننه نوشته‌ی آقاجمال خوانساری دید. این کتاب، قدیمی‌ترین سند مکتوب درباره‌ی اخلاق، آداب و رسوم زنان عامی ایران است که در دوره‌ی صفویه و در زمان شاه‌سلیمان صفوی نوشته شده است. کتاب، بازگوکننده‌ی عقاید و باورهای موجود جامعه‌ی آن روز است. محتوای کتاب، نقد غیر مستقیم خرافات زنانه و گردآوری و ضبط آن‌هاست و ارزش و اهمیت کتاب هم این زاویه است(ذوالفقاری،۱۳۹۳).

زارع شاه‌آبادی و سلیمانی(۱۳۸۹) در پژوهش خود تحت‌عنوان «تبیین دوگانگی تصورات قالبی جنسیتی از نظر دانش‌جویان دانشگاه یزد»، از طریق روش پیمایشی روی ۲۸۹ نفر به عنوان حجم نمونه به یافته‌هایی رسیده‌اند که در آن کلیشه‌های پسران بیش‌تر ناظر بر قدرت، عقلانیت، استقلال، خشونت و شاغل ابزاری و مدیریتی است. درحالی‌که کلیشه‌های جنسیتی دختران اشاره به عطوفت، تأثیرپذیری، وابستگی و گرایش به شاغل خدماتی در بین آن‌ها دارد. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داد که نگرش‌های دانش‌جویان، حاکی از اظهار نوعی دوگانگی در باورهای

[1] Gender ideologies

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جنسیتی و پذیرش تفاوت‌های بین دو جنس، مشابه تصورات رایج در جامعه از جانب آن‌هاست که می‌توان برای آن‌ها هم‌ریشه‌های زیستی و هم زمینه‌های اجتماعی و روانی قائل شد.

سعیدی و نوربالا (۱۳۹۵) در فصل‌نامه‌ی تازه‌های علوم شناختی در مقاله‌ای تحت عنوان «تصورات قالبی جنسیتی[1]»، به ارزیابی اثر مواجهه با نمونه‌های غیرکلیشه‌ای بر کاهش تصورات قالبی وابسته به نقش جنسیتی پرداختند. روش مورد استفاده، مبتنی بر دو آزمایش مرتبط، از طریق مطالعه و مشاهده‌ی فیلم، تأثیرات مواجهه با نمونه‌های غیرکلیشه‌ای سنجیده شد. این مطالعه که بر روی دانش‌جویان دانشگاه تهران صورت گرفت، شرکت‌کنندگان در مواجهه‌ی ضمنی با نمونه‌های کلیشه‌ای جنسیتی و غیرکلیشه‌ای قرار گرفتند و بعد از آن هر گروه در آزمون تداعی ضمنی شرکت کردند. تصورات قالبی با آزمون تداعی ضمنی(TAT) اندازه‌گیری و داده‌ها با آزمون T مستقل تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بین تصورات قالبی ضمنی گروه‌های کنترل و آزمایش در هر دو مطالعه، تفاوت معناداری وجود دارد. علمی و الیاسی(۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی» بر روی جامعه‌ی آماری تحقیق ۳۳۳ نفر و حجم نمونه برابر ۱۵۲ نفر به میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی در بین زنان شاغل همسردار شهرستان سراب پرداختند که یافته‌های‌شان نشان داد ویژگی‌های شخصیتی، ابزاری نظری فعال، پرانرژی، مستقل، پرخاشگر، مدیر، قوی و توانا به مردان و ویژگی‌های شخصیتی بیانی یا روحیه‌بخش نظیر عاطفی، حساس، جذاب، آرام، صبور، مضطرب، وابسته به دیگران و نگران، به زنان نسبت داده شده‌اند.

در مقاله‌ای تحت عنوان «بازنمایی کلیشه و ضدکلیشه زن» که توسط قندهاریون و رستمی(۱۳۹۶) نوشته شده است، به بازنمایی کلیشه‌ی جنسیتی و بازنمایی تصویر زن در تبلیغات تلویزیونی می‌پردازد که براساس روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف[2] انجام شد.

پژوهش دیگری که به موضوع نگرش به نقش‌های جنسیت با تأکید بر فرهنگ عامه ضرب‌المثل‌ها پرداخته است، در شهر بابل انجام شد(جانعلی‌زاده و ارشادیان، ۱۳۹۵). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اکثریت جمعیت نمونه مورد بررسی، دارای نگرشی متوسط و بنیادین نسبت به نقش‌های جنسیتی و ضرب‌المثل‌های مرتبط با آن بودند.

[1] Gender stereotypes
[2] Fairclough

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

آمی‌کودی و کروتی[1](۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «چگونه فرهنگ، تصورات قالبی جنسیتی را شکل می‌دهد» به سه فرهنگ آمریکایی، کره‌ای و چینی پرداختند. براساس این مطالعه، تفاوت‌های فرهنگی نسبت به جنسیت در بین این سه فرهنگ وجود دارد.

ناصری و ناصری(۱۳۹٤) در مطالعه‌شان بر روی ٤۰۰ نفر در شهرستان مهران به بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانش‌جویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی پرداختند. نتایج پژوهش، تفاوت بین نگرش دانش‌جویان دختر و پسر را نسبت به نابرابری جنسیتی نشان داد.

معصومی و رحیمی‌نژاد در مطالعات‌شان به پرسش‌های جنسیتی در ضرب‌المثل‌ها پرداختند. مقاله‌شان تحت عنوان «زن و ضرب‌المثل‌های جنسیتی» (۱۳۹۱) به میزان استفاده از این ضرب‌المثل‌ها در بین مردم شهر تهران پرداختند. ادعای تحقیق‌شان آن بود که میزان کاربرد ضرب‌المثل‌های جنسیتی در حجم نمونه مورد نظر در حد بسیار کم بوده است.

همان طور که در اغلب تحقیقات ذکر شده در بالا می‌بینیم، بیش‌ترین تمرکز بر کلیشه‌ها و تصورات قالبی جنسیتی است. کم‌تر پژوهشی به نگرش بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه توجه کرده است. مقاله‌ی حاضر سعی بر این موضوع دارد که نسل جوان، نسبت به باورهای عامیانه‌ای که از گذشته به حال رسیده و جنسیت را در خود بازنما می‌کنند، چه نگرشی دارند.

چارچوب نظری پژوهش

بازنمایی‌ها

کلیشه‌سازی جنسیتی

کلیشه‌سازی یا تصورات قالبی[2] که از واژه‌ی یونانی Stero به معنای جامد، سفت و سخت مشتق شده است، استراتژی‌ای است که در هر اجتماع یا یک زمینه‌ی فرهنگی، کنش‌گران معنایی در تفاوت‌های درون فرهنگ ارائه می‌کنند. کلیشه‌ها یا تصورات قالبی، ایده‌ها و فرضیاتی در حال جریان هستند که درباره‌ی گروه‌های خاصی از افراد(به عنوان مثال این گروه می‌تواند زنان باشد)، مانند دو روی یک سکه عمل می‌کنند. آن‌ها از یک سو به طبقه‌بندی گروه‌ها می‌پردازند و از سوی دیگر به ارزیابی آن‌ها اقدام می‌کنند. بنابراین این کلیشه‌ها دربرگیرنده‌ی سویه‌ای ارزشی هستند که

[1] Amy J. C. Cuddy Susan Crotty
[2] Stereotype

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

قضاوتی جهت‌دار را در بر می‌گیرند. کلیشه‌سازی فرآیندی است که براساس آن‌ها جهان مادی و جهان ایده‌ها در راستای ایجاد معنا، طبقه‌بندی می‌شوند تا مفهومی از جهان شکل بگیرد.

کلیشه‌سازی؛ کنشی معناسازانه است و برای درک چگونگی عمل بازنمایی، بررسی عمیق کلیشه‌سازی‌ها ضروری است(هال، ۱۹۹۷). آن چه که کلیشه‌ها انجام می‌دهند این است که گروهی از مردم را با اطلاق برخی کیفیت‌ها یا ویژگی‌هایی که ممکن است در بخش اندکی از آن‌ها وجود داشته باشد به کل گروه تعمیم می‌دهند(اریکسون، ۱۳۹۵:53).

یکی از انواع کلیشه‌سازی که در فرهنگ نظام پدرسالاری به عنوان نوعی از استراتژی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مردان، نسبت به زنان، به خاطر وجود تفاوت، معناسازی می‌کنند، کلیشه‌سازی‌های جنسیتی است. معمولاً کلیشه‌سازی‌های جنسیتی، مبتنی بر کلیشه‌های تبعیض جنسیتی[1] است(میشل. ۱۳۷٦ :٥٤) که در آن، مردان صفاتی را برای زنان قائل می‌شوند که براساس این صفات، تعریف‌هایی برای زنان چه به لحاظ جایگاه و چه به لحاظ نقش، ارائه می‌گردد. همین تعاریف به نوعی بر جامعه‌پذیری و فرهنگ‌آموزی جنسیت منجر می‌شود که در آن نهادهای جامعه‌پذیرکننده براساس آن، زنان را در خانواده، آموزش، مدرسه، روابط گروه هم‌سالان و رسانه‌های همگانی(گیدنز،۱۳۹۲: ۱۸۷)، دین و نهادهای دیگر جامعه‌پذیر می‌کند. بنابراین بازنمایی از طریق تصورات قالبی‌ای که برای جنسیت به وجود می‌آورد، می‌تواند از طریق فرآیند جامعه‌پذیری، برچسب‌ها و تعریف و بازتعریف‌های جنسیتی را تداوم بخشد(استنلی و وایز، ۲۰۰۲).

طبیعی‌سازی جنسیتی

طبیعی‌سازی، فرآیندی است که از طریق آن، ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به صورتی عرضه می‌شوند که گویی اموری آشکارا طبیعی هستند. طبیعی‌سازی در فرهنگ‌ها می‌توانند بسیاری از تمایزات و تفاوت‌ها و معانی درونی آن‌ها را به صورت عادی جلوه دهد؛ به‌گونه‌ای که افراد نسبت به آن باور درونی دارند. جایی که کنش‌گران در کلیشه‌سازی یا تصورات قالبی، نسبت به آن می‌اندیشند و معانی را در تفاوت بازنما می‌سازند، در طبیعی‌سازی، این بازنمایی به‌خودی خود وجود دارد. به عنوان مثال بسیاری از تفاوت‌های درون جامعه یا موقعیت‌ها، چون از قبل وجود داشته‌اند، برای کنش‌گران وجود دارند؛ در واقع پرسشی برای آن قائل نمی‌شوند. مثلاً

[1] Sex discrimination stereotypes

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

نابرابری طبقاتی، نژادی، جنسیتی به صورت عادی بازنما می‌شوند. رولان بارت از اندیشمندانی است که مفهوم طبیعی‌سازی را به گویاترین شکل ممکن در بحث اسطوره‌سازی مطرح کرد. در واقع از نظر او اسطوره‌ها واقعیت‌ها را طوری تعریف و مخدوش می‌کنند که امر اجتماعی و فرهنگی را طبیعی جلوه می‌دهند. در واقع طبیعی جلوه‌دادن، همان پنهان‌کردن و ناپدیدکردن است؛ یعنی دست به طبیعی‌سازی می‌زند؛ انگار که چیزی طبیعی است(بارت، ۱۳۹٤: ٦۹).

طرح‌واره‌ی جنسیتی[1]

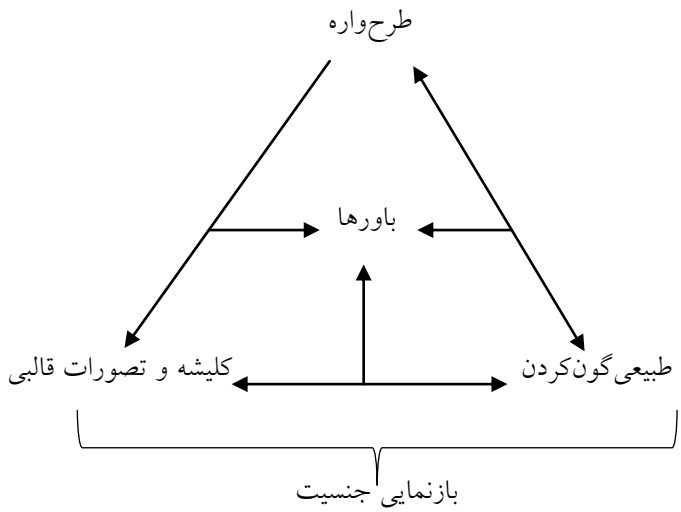
طرح‌واره چارچوب، شناخت عامی است که فرد درباره‌ی یک موضوع خاص دارد و به ادراک او سامان و جهت می‌دهد(لیکان، ۲۰۰۰) در واقع این چارچوب شناخت عام، می‌تواند طرحی را برای جامعه بریزد که افراد براساس آن می‌توانند انواع کلیشه‌ها و طبیعی‌سازی‌ها را صورت دهند. در واقع طرح‌واره، نوعی گفتمان در هر جامعه است. به عنوان مثال، طرح‌واره را می‌توان در قالب طرح‌واره‌ی پدرسالاری عنوان کرد که تعاریف جنسیتی در آن شکل می‌گیرد و تصورات قالبی، برچسب‌ها و بدیهه‌سازی‌ها را شکل می‌دهد. حتی در این مورد، می‌توان کل فرهنگ را یک طرح‌واره دانست. طرح‌واره می‌تواند برای جنسیت هم به‌کار رود(استار، ۲۰۱۵ و هافمن و برادرز، ۲۰۰۱). یعنی فرهنگ پدرسالار، طرح‌واره‌ی جنسیتی یا مجموعه‌ای از تداعی‌های مرتبط با جنسیت را ارائه می‌دهد و گرایش افراد را براساس جنسیت طبقه‌بندی می‌کند و جنسیت از این طریق بازنما می‌شود.

انواع بازنمایی‌های مربوط به باورهای جنسیتی

براساس استراتژی سه‌گانه‌ای که بازنمایی‌های جنسیتی که در بالا در قالب سه نمونه نظری بیان شد، باورها را می‌توان به دو گونه طبقه‌بندی کرد: ۱. باورهای رسمی و ۲. باورهای عامیانه؛ در هریک از این باورها، نگرش جنسیتی نسبت به زن وجود دارد؛ یعنی نوعی موضع‌گیری که برای جایگاه، نقش و وظایف و امتیازات مردان و زنان در جامعه قائل می‌شوند. این باورها را طرح‌واره‌ها، کلیشه‌ها و طبیعی‌سازی‌ها تقویت می‌کنند. در واقع باورها تحت‌تأثیر طرح‌واره‌ها، بر توسعه‌ی کلیشه‌ها و تصورات قالبی و بازتولید و بازترکیب آن رشد می‌یابند و به‌گونه‌ای طبیعی و بدیهه در تفکر کنش‌گران جامعه تزریق می‌شود.

[1] Gender Schema Theory

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]



نمودار شماره‌ی یک- بازنمایی جنسیتی در باورها

بازنمایی جنسیتی از طریق سه استراتژی نامرده‌شده، یعنی طرح‌واره، کلیشه‌سازی و طبیعی‌سازی در هر جامعه برای باورها به دو گونه وجود دارد: اول باورهای رسمی و کلی است که معمولاً در اسطوره‌ها، ادبیات، اشعار، دین و عناصر دیگر، فرهنگ رسمی خود را جلوه می‌دهد؛ دوم باورهای غیر رسمی یا همان باورهای عامیانه که در سنت‌های فولکلوریک مردم عامه در طول تاریخ شکل گرفته‌اند.

بازنمایی جنسیتی در باورهای رسمی

باورهای رسمی یعنی باورهایی که محلی/ بومی/ قومی نیستند؛ بلکه در قالب رسمی و عام جامعه در ادبیات، اسطوره‌های کلان، اشعار، دین و جهان‌بینی کلان بین کنش‌گران جامعه وجود دارد. حتی برخی از این باورها، جنبه‌ی جهان‌شمول هم دارند و بین بسیاری از جوامع، وجه اشتراکی را می‌توان در آن دید. در این جا می‌توان به برخی از باورها که جنبه‌ی جهان‌شمول دارند، اشاره کرد؛ به عنوان مثال این باور که "مردان در ریاضی و علوم از زنان بهتر هستند"، در بسیاری از کشورها چه درحالتوسعه و چه پیشرفته وجود دارد؛ اما نقدهایی بر این باور از طرف فمنیست‌ها و دیگران مطرح شده است(برگنر، ۲۰۱۳)؛ به‌هرحال نوعی از باور است که جنسیت را بازنما می‌سازد. باور دیگر "زنان احساساتی‌تر هستند"، در اغلب جوامع به زنان منتسب است و حتی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

برخی از رفتارها و نقش‌ها را بر مبنای این باور به او تفویض می‌کنند؛ چراکه چون زنان این ویژگی را دارند، باید در این قالب بگنجند و به نوعی آن را امری طبیعی می‌دانند. این کلیشه‌های جنسیتی به‌گونه‌ای است که مردان را مجبور به بروزندادن احساسات‌شان می‌کند و به نوعی به سرکوب احساسات منجر می‌شود. باور دیگر "مردان گرایش‌های جنسیتی بیش‌تری دارند" نیز از باورهای فرهنگی است که می‌گوید مردان نسبت به زنان از توانایی جنسی بیش‌تری برخوردار بوده و همواره آغازگر آن بوده‌اند و برای زنان شرم‌آور و نامناسب تلقی می‌شود.

علاوه بر این که بازنمایی جنسیت در باورهای رسمی که در بالا برشمرده‌ایم، جنبه‌ی جهان‌شمول به خود می‌گیرد، در ساختار ملی بسیاری از جوامع نیز وجود دارد. به عنوان مثال بازنمایی جنسی در اساطیر: معمولاً مسأله‌ی جنسیت ناشی از برداشت مردانه است. در اساطیر آریایی اگرچه روشن نیست که زن و مرد چگونه پیدا شدند، ولی در شاهنامه نخستین انسان مردی است به‌نام کیومرث که به معنا و مفاهیم گوناگون تفسیر شده است. در داستان‌های اساطیری شاهنامه، زن مظهر شیطنت و بدکاری معرفی شد و هم‌چنین شیطان همانند زن و یا به چهره‌ی زنان برای فریب مردان ظهور پیدا می‌کند.

در گزینه‌گوی‌های فلسفی و ادبی نیز در خصوص بازنمایی جنسیت، باورهایی وجود دارد که نوعی کلیشه‌سازی و تبعیض را در خود حمل می‌کند. بدبینانه‌ترین گفته‌های فلسفی را می‌توان در فلسفه‌ی شوپنهاور دید که نسبت‌های ناروا و کلیشه‌های زننده‌ای درباره‌ی زنان می‌گوید(نگاه کنید به کاپلستون، ۱۳۸۲ و جاناوای، ۱۹۹۹).

بازنمایی جنسیت را می‌توان در باورهای رسمی در قالب زبان و ادبیات هم مشاهده کرد. در واقع عنصر واژگانی و دستوری در ادبیات بیش‌تر به سمت مرد ساختار یافته است. مثلاً تمام پیکر زن در زبان ادبی و حتی در زبان معمول و عامیانه استعاری است. اگرچه استعاره یک بحث زیبایی‌شناختی در ادبیات است، ولی بیانگر استبداد می‌باشد. به عنوان مثال در متن قاموس‌نامه، تفاوت جنسیتی به گونه‌ای بازنمایی شده است که زن در قالب طرح‌واره و کلیشه خاص قرار داده می‌شود. در قابوس‌نامه این‌گونه آمده است: زن پاک‌رو و پاک‌دین باید و کدبانو و شوی‌دوست و شرم‌ناک و پارسا و کوتاه‌زبان و کوته‌دست و چیزنگهدارند. تا نیک بود که گفته‌اند زن نیک، عاقبت زندگی بود. بازنمایی جنسیت در باورهای رسمی چون ادبیات سعدی، نظامی‌گنجوی و ناصرخسرو به صورت نگرش غالبی بیان شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

بازنمایی جنسیتی در باورهای عامیانه

علاوه بر آن که بازنمایی جنسیتی خود را در فرهنگ رسمی به صورت باورهای شکل‌گرفته در قالب ادبیات، اساطیر، دین، زبان نمود می‌دهد، بازنمایی جنسیتی هم‌چنین در فرهنگ مردمی که همان فرهنگ فولکوریک است، دیده می‌شود. با جستجو در فرهنگ عامه و یا فرهنگ فولکوریک همانند ترانه‌های محلی، ضرب‌المثل‌ها، قصه‌های مردمی، خواب‌ها، آداب و رفتار روزمره و عرف‌ها، باورهایی وجود دارد که به صورت جنسیتی خود را جلوه می‌دهند. بنابراین در فرهنگ غیررسمی همانند فرهنگ رسمی، بازنمایی جنسیتی به صورت باور قدرت‌مند وجود دارد؛ این بازنمایی در قالب‌های استراتژیک کلیشه‌سازی، طرح‌واره و طبیعی‌سازی در فرهنگ فولکوریک در باورهای عامه مردم حضوری پررنگ داشته است. به‌عنوان مثال "عروس هزاردامادا"، زن که رسید به بیست، باید به حالش گریست؛ "دختر ترشیده" و خیلی از باورها و گفته‌ها که در فرهنگ غیررسمی می‌توان این بازنمایی جنسیت را دید.همه‌ی فرهنگ‌های بومی – محلی، دارای بازنمایی‌های جنسیتی خاص خود هستند که در فرآیند تاریخی در ساختاری ذهنیتی و زبانی هر اجتماع شکل گرفته است. ایران کشوری است که از تنوع فرهنگی برخوردار است. همان‌طور که در این تنوع فرهنگی می‌توان گونه‌ها و محتواهای فرهنگ فولکلوریک را مشاهده کرد؛ این فرهنگ‌های بومی – محلی از بازنمایی‌های متنوعی در قالب زبانی برای جنسیت برخوردارند. یکی از این نمودهای فرهنگ بومی – محلی را در ایران می‌توان منطقه‌ی مازندران عنوان کرد که از فرهنگ فولکلوریک خاص خود برخوردار بوده و دارای بازنمایی جنسیتی در باورهای عامیانه نسبت به زنان است.

بازنمایی جنسیتی در باورهای عامیانه‌ی مازندران

همان‌طورکه گفته شد فرهنگ غیررسمی یا فرهنگ مردمی(فولکوریک) دارای اشکال و صورت‌های گوناگونی است که در قالب ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها، گفته‌ها، باورها، خواب‌دیدن‌ها، آداب، عرف‌ها، آیین‌ها خود را نشان می‌دهد. هر جامعه‌ای برای بیان افکار، اندیشه‌ها و عواطف، از زبان خاص خود بهره می‌گیرد که آن را با توجه به زیست‌بوم و تاریخ ریشه‌ی خود در آن فرهنگ و اجتماع در قالب هر یک از عناصر فرهنگ عامه/ فولکوریک تزریق می‌کند و نوعی باورمندی برای آن به وجود می‌آورد. در متن فرهنگ فولکوریک بسیاری از امورات زندگی اجتماعی و فرهنگی خود را در عناصر درونی جلوه می‌دهند؛ مثلاً گیاهان، حیوانات، شادی‌ها، غم و خیلی از موارد که در زندگی بشر وجود دارد(موتوکوماروامی، ۲۰۰۶ و بنت،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

۱۹۸۸). یکی از حوزه‌هایی که در متن فرهنگ فولکوریک خود را بازنما می‌سازد، جنسیت است و مردم آن فرهنگ، باورهایی نسبت به جنسیت قائل می‌شوند و در عناصر درونی فرهنگ فولکوریک آن را به استراتژی‌های مختلف نمایان می‌سازند.

در مازندران مانند بسیاری از فرهنگ‌های فولکوریک و محلی، نسبت به زن، باورهایی وجود دارد که در قالب‌های مختلف بازنما می‌شوند. این باورها می‌تواند در قالب ترانه‌های محلی، آداب و رسوم محلی، ضرب‌المثل‌ها، آیین‌ها، افسانه‌های محلی با استفاده از استراتژی‌های ذکرشده، جنسیت زن را تعریف کند. در واقع مردم با این روایت‌های موجود در فرهنگ فولکوریک که به صورت‌های مختلف خود را بازنما می‌سازند، جایگاهی برای زن قائل می‌شوند. نمونه‌هایی از این باورهای عامیانه را در فرهنگ فولکوریک مازندران با مثال خواهیم آورد که ببینیم چگونه جنسیت در باورهای عامیانه مردم مازندران بازنما می‌شوند:

- دتِر که مار دارنه، شه خنه ره خار دارنه

(دختری که مادر دارد، شوهرداری را خوب بلد است)

- خواخِره دِل ره شی ونه، برار ره گِنه زن چه نورنی؟

(خواهر دلش شوهر می‌خواهد به برادرش می‌گوید چرا زن نمی‌گیری)

- آش دوسر مزه دارنه، زن نومزه‌سر

(خوردن آش سر دیگ مزه دارد و زن هم در دوران نامزدی جذابیت بیش‌تری دارد)

- مر بی‌ماروخاخِر بتونه دَوه بی‌همسایه نتونه

(مرد بدون خواهر و مادر می‌تواند زندگی کند اما بدون همسایه نه)

- خوی زن چپه

(خواب زن چپه)

- مرد به پا ایارنه، زن به سازه ورنه

(مرد با زحمت مال جمع می‌کند، زن خرج می‌کند)

- اول صبائی خو ره زن سه تعریف نکن

(اول صبح خواب را بر زن نگو)

- صباحی که شونی بیرون با زن کش بخری، خار نیه

(صبح که بیرون می‌روی با زن برخورد کنی روز خوبی نخواهید داشت)

- عُذرِ وَچه مار زنه کچه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

(به بهانه گرسنگی بچه، مادر به نان و نوایی می‌رسد)

- این زنا سواره را پیاده، پیاده ره آواره کنه

(این زن بدبخت می‌کند)

- زن اگه خار بیه استخوان فک کم نیه

(زن ناقص‌العقله)

- سلاح زن اشکشه

(زن با گریه همه چیز را درست می‌کند)

- زنان یه چیز را پنهان کنه اونم چیزی که ندونه

(زنان کلاً دهن‌لق‌اند)

- زن همش باید بوی قورمه‌سبزی هاده

(زن فقط باید کدبانو باشد)

- زن تا نزا دلبره تا بزا ماره

(زن تا نزایید دل‌رباست وقتی‌که زایید مادر می‌شود)

هدف پژوهش

- شناسایی باورهای عامیانه جنسیتی‌شده و انواع آن در فرهنگ بومی مازندران.
- بررسی نگرش افراد دانشجو نسبت به باورهای عامیانه جنسیتی‌شده.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش کیفی(مصاحبه، مطالعه‌ی اسناد) به جمع‌آوری باورهای عامیانه مردم مازندران پرداخته شد. سپس با استفاده از روش کمی(پیمایش) نگرش دانش‌جویان دانشگاه مازندران، نسبت به باورهای جنسیتی عامیانه مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. همان‌طور که بیان شد باورهای عامیانه جنسیتی را می‌توان در قالب ادبیات شفاهی، ضرب‌المثل‌ها، گفتارها و غیره در فولکلور مازندران یافت؛ به همین دلیل برای پیداکردن این باورها یا از اسناد و یا از افراد سنتی سنین بالا باید استفاده کرد. در انتخاب افراد باید دقیقاً اشخاصی در نظر گرفته می‌شد که از مخزن ذهنی مناسبی نسبت به باورها و ضرب‌المثل‌ها برخوردار باشند؛ برای همین از روش گلوله‌برفی استفاده شد تا افراد مورد نظر پیدا شوند. پس از پیداکردن این افراد سعی شد در یک

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جمعی آن‌ها را دعوت کرده و گفت‌وگو صورت گیرد؛ مناسب‌بودن کار از این جهت امتیاز داشت که در گفت‌وگو، ذهن افراد می‌توانست نسبت به یادآوری باورها و ضرب‌المثل‌ها هم‌دیگر را تحریک کنند و بسیاری از آن‌ها را بیان کنند. تعداد افرادی که در این مصاحبه متمرکز استفاده شد، ۱۰نفر بودند. البته انتخاب این تعداد اصلاً بر مبنای اشباع داده نبود؛ زیرا هدف، تنها پیداکردن آن ضرب‌المثل‌ها و باورهایی بود که در فرهنگ مازندران وجود داشت. در واقع هدف از این کار، آن بود تا این باورها به دست گروه هدف داده شود تا نگرش‌های خود را بیان دارند. بنابراین این جا از روش‌شناسی کیفی برای تکمیل روش‌شناسی کمی استفاده گردید. از آن جا که ضرب‌المثل‌ها و باورهای مورد نظر برای آن‌که جواب‌گوی پرسش‌ها برای نگرش گروه هدف باشد در یک جلسه‌ی مصاحبه متمرکز به‌دست آمد. همان‌طور که گفته شد، هدف، فقط به‌دست‌آوردن داده‌ها در خصوص ضرب‌المثل‌ها و باورهای جنسیتی و مبنا تنها یک کار توصیفی در این سطح از روش‌شناسی کیفی بود.

در روش‌شناسی کمی نیز از روش پیمایشی یعنی جمع‌آوری داده‌ها در خصوص نگرش از طریق تکنیک پرسش‌نامه استفاده گردید. چون در این روش سعی شد از طریق پرسش‌نامه‌ای، بر گردآوری اطلاعات در گروه معین تأکید شود. پرسش‌نامه‌ها بر مبنای همان باورها و ضرب‌المثل‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ی متمرکز، تبدیل به سؤالات شد و بین پرسش‌شوندگان مورد نظر پخش گردید تا اطلاعات مربوطه به‌دست آید.

مفاهیم

بازنمایی

به بیان کوتاه، بازنمایی یعنی تولید معنا از طریق زبان. بازنمایی یعنی استفاده از زبان برای گفتن چیزهای معنادار درباره‌ی جهان یا نمایاندن جهان به دیگران. در تعریف دیگر بازنمایی عبارت است از کاربرد زبان، نشانه‌ها و تصاویر که نماینده یا معرف چیزها هستند.(هال، ۱۳۹۱: ۳۳). با توجه به این تعریف می‌توان گفت که هر فرهنگی دارای نظام بازنمایی از طریق زبان خاص خود است که همه چیز را در قالب‌های معنایی بازنما می‌کند.

بازنمایی جنسیتی

یکی از قالب‌های معنایی که در هر فرهنگی بازنما می‌شود، جنسیت است. در این مفهوم هر فرهنگی دارای کاربرد زبانی و نشانگان ویژه‌ای برای جنسیت می‌باشد. در واقع جنسیت چه زن و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

چه مرد، مفهوم خنثی نیستند؛ بلکه از طریق تولید معنا در ساختار زبانی بازنما می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت بازنمایی جنسیتی یعنی تولید معنا و به‌کارگیری زبان و نشانگان که کنش‌گران برای جنسیت به‌کار می‌بردند.

باورهای عامیانه

همه‌ی فرهنگ‌ها دارای باورهایی هستند که می‌توان برخی از آن‌ها را تحت عنوان باورهای عامه یا باورهای رایج بین مردم، طبقه‌بندی کرد. این باورها لزوماً به عنوان فاکت‌های علمی نیستند؛ اما می‌تواند توسط مردم و اعضای یک اجتماع پذیرفته شوند. باورهای عامیانه به طرق مختلف در یک فرهنگ ظاهر می‌شود؛ برخی از آن‌ها مختص یک گروه هستند و در قالب ساختار زبانی آن گروه بیان می‌شوند؛ به عنوان مثال تجلی بیان باورهای عامیانه را می‌توان در شکل ضرب‌المثل‌ها یا اصطلاحاتی دید که توسط مردم به‌کار می‌روند. در مجموع باورهای مردمی یا اعتقادات مردمی یکی از عناصر و اجزاء فولکلور است که شامل طیف گسترده‌ای از رفتارها، عبارات و باورها می‌شود.(برونر، ۲۰۰۷ و دوروتی، ۲۰۱۲)[1] این باورها می‌تواند جهت جنسیتی به خود بگیرند(اولارین موی و همکاران، ۲۰۱۳ و لافونت سوزان،۲۰۱۰).[2]

فرضیه‌های پژوهش

۱- بین جنس و نگرش نسبت به بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه رابطه وجود دارد؟

۲- بین شهری‌بودن و روستایی‌بودن و نگرش نسبت به بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه رابطه وجود دارد؟

۳- بین سرمایه‌ی فرهنگی و نگرش نسبت به بازنمای جنسیت در باورهای عامیانه رابطه وجود دارد؟

٤- بین رشته تحصیلی در حوزه علوم انسانی و علوم پایه و نگرش نسبت به بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه رابطه وجود دارد؟

۵- بین طبقه‌ی اجتماعی- اقتصادی افراد و نگرش نسبت به بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه رابطه وجود دارد؟

[1] Bronner, Simon. Noyes, Dorothy

[2] OLARINMOYE, Adeyinka Wulemat.....LaFont Suzanne

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

٦- بین هویت غلیظ یا رقیق فرهنگ بومی و نگرش نسبت به بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه رابطه وجود دارد؟

یافته‌های پژوهش

جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری در این پژوهش دانش‌جویان دانشگاه مازندران هستند که به صورت نمونه از دو حوزه‌ی تحصیلی علوم انسانی و علوم پایه(تجربه) گزیش شده‌اند. روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده چندمرحله‌ای بود. بر اساس نمونه‌گیری، ابتدا به تفکیک رشته‌ها، چه در علوم انسانی و چه در علوم تجربی انتخاب شده‌اند. در مرحله بعد بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده از هر رشته، دانشجویانی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند و با استفاده از فرمول زیر حجم نمونه تعیین گردید(۱۹۸ دانشجو از علوم انسانی و علوم پایه).

$$N\frac{z^2 \times pq}{d^2 \times (1-prevalence)} = 198$$

برای تحلیل اطلاعات، از آمار توصیفی و از فنون آماری پیشرفته با استفاده از نرم‌افزار SPSS و از آمار استنباطی رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد. متغیرها و معرف‌ها همراه با میزان پایایی آن در جدول شماره یک خلاصه شده است. میزان پایایی از طریق نرم‌افزار SPSS16 به‌دست آمد.

۲. توزیع آماری پاسخ‌گویان

از تعداد ۱۹۸ دانش‌جو در دو حوزه‌ی تحصیلی علوم انسانی و علوم پایه به تفکیک جنسیت، ۳۰ درصد پاسخ‌گویان در مجموع دانش‌جویان دختر و ۳۷ درصد دانش‌جوی پسر بودند. از نظر تکنیک حوزه‌ی تحصیلی ۵۰ درصد، حوزه‌ی تحصیلی علوم انسانی و ۵۰ درصد در حوزه‌ی علوم پایه بودند. در ضمن به لحاظ تفکیک جنسیت در هر دو حوزه‌ی تحصیلی، ٦۳ درصد پاسخ‌گویان، دانش‌جویان دختر در علوم انسانی و ۳۷ درصد برای دانش‌جویان پسر در علوم انسانی تشکیل می‌شد. همین درصد نیز برای حوزه‌ی تحصیلی علوم پایه(تجربی) نیز مورد بررسی قرار گرفت. از نظر سنی محققین حاضر تفاوتی قائل نشد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

آزمون فرضیه‌ها

برای سنجش میزان تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی نگرش جنسی باورهای عامیانه از دیدگاه دانش‌جویان، در حوزه‌ی تحصیلی، ابتدا فرضیه‌ها ساخته شد. در این جا سعی می‌شود کل متغیرها براساس فرضیه‌ها در یک جدول قرار گرفته و شرح آن داده شود. جدول زیر در واقع رگرسیون چندگانه را در متغیرهای به‌کاربرده‌شده نشان می‌دهد که نگرش دانش‌جویان نسبت به بازنمایی جنسیتی را در باورهای عامیانه فرهنگ بومی استان مازندران نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی یک- معرف‌های متغیر وابسته و مستقل با پایایی آن‌ها

	شاخص	معرف‌ها	آلفای کرونباخ (پایایی)
وابسته	نگرش بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه	آشنایی با باورهای عامیانه، به‌کاربردن آن توسط خود و توسط افراد، تأیید آن هنگام به‌کارگیری توسط دیگران، میزان استفاده از باورهای عامیانه جنسیتی‌شده	./۵/۲
	جنسیت	دانشجویان دختر و پسر نسبت به بازنمایی جنسیت	۸٦/۸
مستقل	شهری‌بودن و روستایی‌بودن	زندگی در شهر و تأثیر آن بر نگرش جنسیتی، زندگی در روستا و نسبت آن با نگرش جنسیتی، اصالتاً روستایی و محل زندگی در شهر، اصالتاً شهری‌بودن	۷۵/۸
	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا و متوسط و پایین، رفاه خوب در خانواده، درآمد بالا یا پایین خانواده	۷۰/۸
	رشته‌ی تحصیلی	علوم انسانی‌بودن و تأثیر در نگرش، علوم پایه و یا تجربی‌بودن و تأثیر بر نگرش	۸۳/۹
	هویت غلیظ و رقیق نسبت به فرهنگ بومی	از هویت غلیظ برخوردار‌بودن، میزان فعالیت در فرهنگ بومی، دانش از فرهنگ بومی، حس عاطفی داشتن به فرهنگ بومی، نگرش نسبت به فرهنگ بومی، آگاهی از فرهنگ بومی و میزان شناخت	٦۵/۹
	سرمایه‌ی فرهنگی	میزان سرمایه‌ی نهادینه، تجسم‌یافته و عینیت‌یافته برای افراد دانش‌جو و نسبت آن با نگرش جنسیتی	۷۷/۸
	متغیرهای مستقل	۲۷ معرف	
	کل متغیرها	۳۵ معرف	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جدول شماره‌ی دو- رگرسیون عوامل تأثیرگذار بر نگرش جنسیتی در باورهای عامیانه

عوامل	ضریب همبستگی	ضریب تعین	میانگین مجذورات	معنی‌داری	ضریب خطی	آزمون لونf	آزمونT	ضریب اهمیت	فرض تحقیق
شهری‌بودن و روستایی‌بودن	۰/۳۰۹	٪۹٦	۱۳٦۳/۷۳٤	۰/۰۰۰	۱/۱۱۰	٤۷/۸٥٤	٦/۹۹۰	۷٤۲۰	تأیید
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	٪۱٥	۰/۱۰۰	۷/٤۰۹	۰/۷۲۲	۰/۰۳۹	۰/۱۱۱	۰/۳٤۱	۰/۰۲۳	رد
رشته‌ی تحصیلی	۰/٤۳۹	۰/۲۱۰	۲۸۸۹/٤٦۹	۰/۰۰۰	۱/۱۲۱	٤٥/۸٥٤	٦/۹۰۰	۰/٤٤۰	تأیید
هویت	۰/٥۸۰	۰/۳٤٥	٤٥۱۰/٥۷۹	۰/۰۰۰	۰/۸٥۱	۹۷/۸۱۷	۸/۹۹۱	۰٥۸٥	تأیید
سرمایه‌ی فرهنگی	۰/٥۲۲	۰/۱۸۹	۲٥۲۰۳/۳۹۸	۰/۰۰۰	۰/۷۸٦	۲٥/۸۱۷	٤/٤۷۱	۰/۳۱۰	تأیید

در جدول بالا با توجه به متغیرهایی که به صورت عوامل تأثیرگذار محاسبه گردید، ضریب همبستگی بین شهری‌بودن و روستایی‌بودن با نگرش جنسیت در باورهای عامیانه نسبتاً قوی و مثبت است(۰/۳۰۹). ضریب خطی نیز ۱/۱۱۰ را نشان می‌دهد که با تغییر در شهری‌بودن و روستایی‌بودن می‌تواند بر نگرش جنسیتی تأثیرگذار باشد. ضزیب همبستگی بین طبقه و پایگاه اقتصادی بین دانش‌جویان نشان‌دهنده‌ی رد فرضیه است؛ یعنی تأثیری در این که دانش‌جو از چه طبقه‌ای باشد نسبت به نگرش او در باورهای عامیانه‌ی جنسیتی‌شده وجود ندارد(۰۱۵٪). برای ضریب همبستگی و ۰/۷۲۳ برای رابطه‌ی معنی‌داری.

ضریب همبستگی بین رشته‌ی تحصیلی و نگرش جنسیتی در باورهای عامیانه تأثیر این فرض را با معنی‌داری نشان می‌دهد(۰/٤۳۹). ضریب خطی یعنی با تغییر رشته از حوزه‌ی انسانی و پایه می‌توان تأثیر آن را بر نگرش جنسیتی در باورهای عامیانه دید(۱/۱۲۱). بنابراین براساس یافته‌های ضریب همبستگی با توجه به تغییر در دو حوزه‌ی تحصیلی، می‌توان تغییر در باورهای عامیانه جنسیتی‌شده را در نگرش دانش‌جویان مشاهده کرد.

ضریب همبستگی در بخش هویت با نگرش جنسیتی باورهای عامیانه در فرهنگ بومی مازندران نشان از تأیید می‌دهد. برای کل دانش‌جویانی که دارای هویت بومی بیش‌تر بودند، سطح معنی‌داری بین دو متغیر مذکور رابطه وجود دارد و می‌توان تأیید آن‌را دید(۰/٥۸۰).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

ضریب همبستگی در فرضیه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی هم تأیید رابطه را نشان می‌دهد. در واقع می‌توان گفت که سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند بر نگرش جنسیتی در باورهای عامیانه فرهنگ بومی مازندران بر ساخت ذهنی دانش‌جویان مؤثر باشد(۰/۵۲۲).

براساس ضریب اهمیت(بتا)، هویت بومی‌داشتن بیش‌ترین تأثیر را بر نگرش جنسیتی در باورهای عامیانه دارد و عامل شهری‌بودن یا روستایی‌بودن، درجه‌ی کم‌تر این تأثیر را نشان می‌دهد(۹۶٪).

مقایسه‌ی نگرش دانش‌جویان دختر و پسر در دو حوزه‌ی تحصیلی

طبق فرضیه‌ی اول، در خصوص مقایسه‌ی جنسیت دانش‌جویان در دو حوزه‌ی تحصیلی، بررسی شد؛ که در این بررسی سعی شد میان جنسیت با نگرش، نسبت به بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه رابطه‌ای نشان داده شود. فرض پژوهش در این جا، آن بود که بین جنسیت و نگرش جنسیتی در باورهای عامیانه فرهنگ بومی مازندران میان دانش‌جویان دختر و پسر چه رابطه‌ای دیده شده است؛ یعنی آیا دو جنس، نگرش یکسانی نسبت به بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه دارند؟ برای این آزمون از تی‌تست دو گروه مستقل استفاده شد که در جدول شماره دو آمده است. در نگرش دختران و پسران نسبت به عوامل تأثیرگذار که در جدول شماره سه بررسی شد، تفاوت وجود دارد؛ زیرا میانگین‌ها برابر نیست و انحراف معیار نیز تفاوت دارد. تعداد دانش‌جویان دختر در هر دو حوزه ۱۲۳ نفر و تعداد پسران ۷۵ نفر بود. در واقع هر دو جنس درباره‌ی تأثیر عوامل مؤثر بر بازنمایی جنسیت باورهای عامیانه در فرهنگ بومی مازندران نگرش یکسانی ندارند. در جدول شماره سه نگرش دو جنس در ارتباط با همه‌ی عوامل مؤثر بر نگرش جنسیت به بازنمایی جنسیت در باورهای عامیانه به تفکیک دو جنس مورد بررسی و خلاصه شده است.

این جدول نشان می‌دهد که دانش‌جویان پسر بیش‌تر تحت‌تأثیر عوامل یادشده، نسبت به باورهای عامیانه جنسیتی‌شده، گرایش بیش‌تری نسبت به دانش‌جوان دختر دارند؛ در همه‌ی حوزه‌ها این تعاریف نگرش را می‌توان دید؛ به عنوان مثال سطح معنی‌داری را می‌توان در همه‌ی عوامل دید؛ با توجه به این که فرضیه‌ی طبقه و پایگاه اقتادی در جدول محلی رد شد، از این جدول می‌توان متوجه شد که سطح معنی‌داری وجود دارد. در این برای دختران دانش‌جو، شهری‌بودن و روستایی‌بودن، رشته‌ی تحصیلی، هویت، طبقه و سرمایه‌ی فرهنگی نسبت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

دانش‌جویان پسر تأثیر کم‌تری داشت. سطح معنی‌داری، نشان‌دهنده‌ی این تفاوت است. مثلاً سطح معنی‌داری در شهری‌بودن/ روستایی‌بودن، رشته‌ی تحصیلی، طبقه‌ی هویت و سرمایه‌داری به ترتیب ۰/۰۰۰۱ ، ۰/۱۰۰ ، ۱۵٪ ، ۱۲٪ و ۱۵٪ بوده است که تفاوت نگرش را در دو جنس نشان می‌دهد. بنابراین در عوامل ذکرشده با توجه به مرتبه‌ی میانگین دانش‌جویان پسر نسبت به دختر(۱۱۲/٤ در برابر ۱۰۳/٦ در عامل شهری روستایی، ۱۰۵/۵۵ در برابر ۹۷/۰۳ در عامل رشته تحصیلی، ۱۰۲/۲۸ در برابر ۹٦/٤۷ در عامل طبقه، ۱۱۱/٤۸ در برابر ۱۰٦/۳۸ در عامل هویت و ۹۹/۳۳ در برابر ۹٤/۲۳ در عامل سرمایه‌ی اجتماعی) تحت‌تأثیر عوامل ذکرشده بیش‌تر قرار دارند. در واقع می‌توان گفت که دختران کم‌تر تحت‌تأثیر عوامل یادشده، نگرشی بازنمایی شده جنسیتی در باورهای عامیانه را قبول دارند.

جدول شماره‌ی سه- تفاوت نگرش دو جنسیت درباره‌ی عوامل مؤثر بر نگرش نسبت به بازنمایی جنسیتی در باورهای عامیانه

آزمون		عامل	عامل	عامل	عامل	عامل
		شهری روستایی	رشته‌ی تحصیلی	طبقه	هویت	سرمایه‌ی فرهنگی
		۰/۰۰۱	۰/۰۱۰	۱۵٪	۱۲٪	۱۵٪
مرتبه میانگین	دختر	۱۰۳/٦	۹۷/۰۳	۹٦/٤۷	۱۰٦/۳۸	۹٤/۲۳
	پسر	۱۱۲/٤	۱۰۵/۵۵	۱۰۲/۲۸	۱۱۱/٤۸	۹۹/٤۳

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف نگرش نسبت به بازنگری جنسیتی در باورهای عامیانه‌ی فرهنگ بومی مازندران انجام گرفته است. برای آن که نگرش نسبت به باورهای عامیانه که به صورت جنسیتی مطرح می‌شد در شرایط کنونی در نسل اکنون بررسی قرار شود، دانش‌جویان دانشگاه مازندران به عنوان نمونه‌ی هدف انتخاب گردیدند تا دیده شود که آیا باورهای عامیانه جنسیتی‌شده در این نسل هم تداوم یافته است.

براساس نتایج به‌دست‌آمده از میان عامل نام‌برده‌شده: عوامل یادشده به‌شدت بر تغییر نگرش، نسبت به باورهای عامیانه‌ی جنسیتی تأثیرگذار بوده‌اند. به عنوان مثال شهری‌بودن و روستایی‌بودن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

بر نگرش افراد دانش‌جو نسبت به بازنمایی جنسیت مؤثر بوده است؛ جایگاه افراد نسبت به مکان زندگی‌شان نشان از این امر می‌داد. افرادی که در خانواده‌ی سنتی روستایی زندگی می‌کردند، نسبت به افراد شهری مدرن از نگرش بیش‌تری برخوردار بودند؛ یعنی به برخی از باورهای عامیانه نسبت به جنسیت، تصور مثبت‌تری داشتند.

بین رشته‌ی تحصیلی و نگرش جنسیتی نسبت به باورهای عامیانه، رابطه وجود داشته است. البته این رابطه زمانی بود که عوامل دیگر می‌توانست اثرگذار باشد؛ اما در مجموع در رشته‌های فنی و پایه، این نگرش نسبتاً کم‌تر به نظر می‌رسید. از عواملی که در ارتباط با نگرش نسبت به بازنمایی جنسیتی در باورهای عامیانه می‌توان اشاره کرد، هویت بود. افراد دانش‌جو با غلظت هویتی بیش‌تر، از نگرش وسیع‌تری نسبت به افرادی که هویت رقیق‌تری داشتند، برخوردار بودند. البته این تفاوت فاحشی نبود؛ ولی هرچه هویت غلیظ‌تر می‌شد، نگرش نسبت به بازنمایی جنسیتی در باورهای عامیانه بیش‌تر خودنمایی می‌کرد.

در خصوص سرمایه‌ی فرهنگی نیز باید گفت که افراد دانش‌جو در مجموع با سرمایه‌ی فرهنگی بالاتر از جهت‌گیری نگرش جنسیتی کم‌تری در باورهای عامیانه برخوردار بودند. این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌ی فرهنگی بیش‌تر افراد، می‌تواند بر نگرش‌های او اثرگذار باشد. البته این به آن معنا نیست که افراد با سرمایه‌ی فرهنگی بالا در ارتباط با فرهنگ فولکوریک قید بیش‌تری نداشته باشد. از آن جا که این مسأله مورد بررسی تحقیقی قرار نگرفته، نمی‌توان نتیجه‌ای از آن استنباط کرد.

از نکاتی دیگر که در این پژوهش انجام گرفته است، رابطه‌ی افراد دانش‌جو به تفکیک جنسیت با نگرش جنسیتی در باورهای عامیانه بود. بررسی نشان می‌دهد که جنسیت افراد دانش‌جو نسبت به نگرش بازنمایی جنسیتی در باورهای عامیانه مؤثر بوده است. با توجه به مقایسه‌ای که این عوامل بر نوع نگرش بین دو جنسیت مورد سنجش انجام شد، دانش‌جویان پسر بیش‌تر تحت‌تأثیر عوامل قرار گرفته‌اند. درحالی‌که دانش‌جویان دختر این نگرش، تغییر یافته بود. این نمونه نشان می‌دهد که دانش‌جویان دختر نسبت به بازنمایی جنسیتی در باورهای عامیانه نگرش نقادانه‌تری دارند و این باورها را مورد نقد قرار می‌دهند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

منابع

۱. اریکسون، توماس (۱۳۹۵) **انسان‌شناسی قومیت**، ترجمه‌ی سید قاسم حسنی، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

۲. بارت، رولان (۱۳۹۵) **درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها**، ترجمه‌ی محمد راغب، نشر رخداد نو.

۳. بارت، رولان (۱۳۹٤) **اسطوره، امروز**، ترجمه‌ی شیرین‌دخت دقیقیان، نشر مرکز.

٤. جانعلی‌زاده چوب بستی، حیدر و ارشادیان بیشه، مینا (۱۳۹۵) «**بررسی جامعه‌شناختی نگرش به نقش‌های جنسیتی با تأکید بر فرهنگ عامه ضرب‌المثل‌ها(مورد مطالعه: شهرستان بابل)**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

۵. زارع شاه‌آبادی، اکبر و سلیمانی، زکیه (۱۳۸۹) «تبیین دوگانگی تصورات قالبی جنسیتی از نظر دانش‌جویان دانشگاه یزد»، **فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال یازدهم، شماره‌ی٤۱: ۳۶۹-۳۹۸

٦. سعیدی، ضحی و نوربالا، فاطمه (۱۳۹۵) «تصورات قالبی جنسیتی: نگرش‌های ضمنی به مشاغل و اثر مواجهه با نمونه‌های غیرکلیشه‌ای»، **فصل‌نامه‌ی تازه‌های علوم شناختی**، سال ۱۸، شماره‌ی۱: ۸۸-۷۹

۷. علمی، محمود، الیاسی، سارا (۱۳۸۸) «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی(مطالعه‌ی موردی زنان شاغل همسردار شهرستان سراب)»، **مطالعات جامعه‌شناسی**، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲: ۵۳-۷۵

۸. ذوالفقاری، حسین (۱۳۹۳) «متن‌شناسی عقایدالنّساء یا کلثوم ننه آقاجمال خوانساری»، **مجله‌ی متن‌شناسی ادبی**، شماره‌ی ۵۹: ۲٤-۷

۹. قندهاریون عذرا و رستمی، محبوبه (۱۳۹٦) «بازنمایی کلیشه و ضد کلیشه‌ی زن»، **مجله‌ی راهبرد فرهنگ**، شماره‌ی ۳٦: ۱۸٦-۲۰٦

۱۰. کاپلستون، فردریک (۱۳۸۲) **تاریخ فلسفه(از فیشته تا نیچه)**، جلد ۷، چاپ سوم، ترجمه‌ی داریوش آشوری، انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲) **جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

۱۲. معصومی، محسن و ویدا رحیمی نژاد (۱۳۹۱) «زن و ضرب‌المثل‌های جنسیتی»، **فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج**، سال چهارم، شماره‌ی ۱۱ : ۱۵۸-۱۳۵

۱۳. میشل، اندره (۱۳۷٦) **پیکار با تبعیض جنسی**، ترجمه‌ی محمد جعفر پوینده، تهران: نشر نگاه.

۱٤. ناصری، سهیلا و ناصری، محبوبه (۱۳۹۵) «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانش‌جویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی(مطالعه‌ی موردی: شهرستان مهران در سال۱۳۹٤)»، **فصل‌نامه‌ی فرهنگ ایلام**، شماره‌ی ۵۲ و ۵۳: ۹۹

۱۵. هال، استوارت (۱۳۹۱) **معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی**، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی، تهران: نشر نی.

16. Amy J. C. Cuddy Susan Crotty Jihye Chong Michael I. Norton, (2010). How Culture Shapes Gender Stereotypes. By Harvard

17. Bem, S. L. (2001). An unconventional family. New Haven, CT: Yale University Press.

18. Bennett Gillian, (1988). Traditions of Belief: Women and the Supernatural (Pelican) **Paperback – July 5, 1988** Penguin Books

19. Bergner Daniel .(2013), What Do Women Want?: Adventures in the Science of Female Desire. 210 pp. Ecco/HarperCollins Publishers

20. Bronner, Simon J., ed. (2007). The Meaning of folklore: the Analytical Essays of Alan Dundes. Logan, UT: Utah State University Press.

21. Hall, Stuart (1997).The Work of Representation, In Cultural

22. Hoffman, R. M., & Borders, L. D. A. (2001). Twenty-five years after the Bem Sex-Role Inventory: A reassessment and new issues regarding classification variability. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development, 34,* 39–55.

23. Janaway .Christopher ;(1999), The Cambridge Companion to Schopenhauer; Cambridge University Press.

24. LaFont Suzanne.(2010) .Beliefs and Attitudes toward Gender, Sexuality, and Traditions amongst Namibian Youth. Ombetja Yehinga Organisation and Legal Assistance Centre

25. Lycan (2000), "representational theories of consciousness," Stanford Encyclopedia of Philosophy

26. Muthukumaraswamy M. D.(2006), Folklore as Discourse, national folklore support centre chennal.

27. Dorothy ,Noyes, (2012). "The Social Base of Folklore". In Bendix, Regina; Hasan-Rokem, Galit. A Companion to Folklore. Malden, MA: Wiley-Blackwell.

28. OLARINMOYE, Adeyinka Wulemat.(2013). The Images of Women in Yoruba Folktales. *International Journal of Humanities and Social Science Vol. 3 No. 4 [Special Issue – February*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

29. Stanley L. and Wise S. (2002). What's wrong with Socialization? In: S. Jackson and S.
30. Starr Christine.(2016). Sandra Bem’s Gender Schema Theory After 34 Years: A Review of its Reach and Impact. in Sex Roles · March. DOI: 10.1007/s11199-016-0591-4
31. Sterling, Fausto Anne, (2000) .Sexing The Body (gender politics and the construction of sexuality), New York, Published by Basic Books,

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]